

خانواده و عوامل تحکیم آن با تکیه بر آرای ابن سینا^۱

مریم سلطانی کوهانستانی^۲

چکیده

به باور ابن سینا، تشکیل خانواده متضمن تولید نسل، دلیل روشنی بر اثبات خداوند، نمود کرامت انسان و تربیت فرزندان است که همه به صیانت از دین منجر می‌شود. در ساختار حکمی سینیوی کرامت انسان بستر ظهور و بروز روابط سالم انسانی بر پایه خردورزی و محبت بوده و تربیت به عنوان امر درجه دوم مأخوذ از آن است. ابن سینا با اشاره به لزوم حفظ کرامت انسان، ضرورت وفای به عهد، خردورزی و محبت پیشگی، وجود عقل سلیم در عقد و فسخ ازدواج و ترسیم چارچوبی معقول از نقش زن، مرد و فرزندان، درصدد تبیین اهمیت حفظ کانون خانواده بر مبنای اساسی‌ترین نیاز عقلانی و عاطفی انسان است. بر این اساس ابن سینا پس از ترسیم منزلت انسان در هستی، به تحلیل جایگاه عقل در وجود آدمی و خواص عنصر محبت در معنابخشی روابط آدمیان، بالأخص در خانواده می‌پردازد. اتخاذ این شیوه توسط ابن سینا متأثر از چهار رویکرد اصلی وی به حیات آدمی است: هماهنگی با فطرت، کارکرد فلسفه در زندگی، تناظر عشق و عقل و حاکمیت اخلاق که ترکیب این چند عنصر در کنار هم، حکمت منزلی سینیوی را در عصر حاضر به مجموعه نسبتاً قابل قبولی از قواعد عقلی و شواهد قلبی برای تشکیل خانواده تبدیل می‌کند.

واژگان کلیدی

ابن سینا، ازدواج، خانواده، تحکیم خانواده، عقل، عشق

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۹

۲- استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی

طرح مسأله

بی‌شک خانواده از یک سو، اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، سلول و بنیادی‌ترین عنصر جامعه و بستر ایجاد و رشد بسیاری از ارزش‌ها است، به گونه‌ای که عموم صاحب‌نظران بزرگ خانواده را جزئی از نظام کلی جامعه و در رابطه تنگاتنگ با آن می‌دانند و تطور خانواده را در جهان می‌جویند (ساروخانی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۹-۱۶۶). از سوی دیگر، خانواده همچون سایر پدیده‌های مادی و طبیعی، دستخوش آسیب است، آسیب‌هایی که در بسیاری مواقع، می‌تواند خطر نابودی خانواده و در نتیجه خطر تباهی جامعه را به همراه داشته باشد. به عبارت دیگر، بسیاری از مشکلات و آسیب‌های جامعه نیز مولود خانواده است (گلنبرگ، ۱۳۸۲، ص ۹۲-۱۱۸).

بر این اساس، از جمله مباحثی که امروزه مورد توجه متفکران قرار گرفته، بحث «تحکیم خانواده و عوامل مؤثر در آن» است. به اعتقاد آن‌ها، «تعادل حیاتی خانواده از طریق فرآیندهای تعاملی پویایی به دست می‌آید که به حفظ و بازگردانی ثبات در دوره‌های تهدید کمک می‌کند و نهایتاً این امر از راه فعال شدن قواعدی به دست می‌آید که روابط را تعریف می‌کنند» (همان، ص ۸۳).

در راستای بحث مذکور، از بین حکمای مسلمان، به آرای ابن‌سینا تحت عنوان تدبیر منزل، یا مدیریت حیات خانوادگی آدمی، توجه شده است. از منظر ابن‌سینا، خانواده از لحاظ وجودی دارای مراتب و شئون است که در برگیرنده تمام ساحت‌های مختلف مادی و معنوی بشر است. وجه نظر ابن‌سینا در این سنت، ورود به مباحثی است که خانواده را فارغ از صیوروت و تغییری که لازمه عالم مادی است، هیچ‌گاه از عالم معقول جدا فرض نکرده که این مطلب مبتنی بر نظام عقلانی و انسان‌شناسی خاص سینوی است؛ انسان‌شناسی‌ای که شامل دو مرحله عقلانی و شهودی است.^۱

شایان ذکر است، مسایلی که حول محور حکمت منزلی ابن‌سینا مطرح شده اند، پیش از این نوشتار، توسط اهل خرد مورد واکاوی قرار گرفته است (کرمانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳-۱۴۲)؛ اما قطع نظر از تمامی مباحث مطروحه، ضرورت سنجی نگارنده به کار بست این حکمت در تحکیم خانواده و رفع آسیب‌هایی است که امروزه در شیوه و سیاق ازدواج و فرزندآوری به سبک غربی، متوجه جامعه ایران است و از این‌رو نوآوری مقاله حاضر در این خصوص است. مسأله اصلی این نوشتار، تبیین مبانی تشکیل خانواده و عوامل تحکیم آن در نظام فکری ابن‌سینا و ارائه ادله و مستندات است که به

۱- ابن‌سینا ابتدا در کتاب‌هایی از قبیل *شفاء، نجات و اشارات* با کنکاشی عقلانی به انسان و ابعاد وجودی او پرداخته است؛ مرحله دوم که اوج انسان‌شناسی اوست مرحله‌اشراقی و شهودی است که در آرای عرفانی او مشهود است.

تشریح این عوامل می‌پردازند. در این پژوهش آنچه برای پاسخ به پرسش مذکور بیان می‌شود، به دلیل عدم بیانی مستقیم از ابن‌سینا درباره خانواده و بالأخص عوامل تحکیم آن، بر تحلیل دیدگاه ابن‌سینا در آرای او به ویژه *الشفاء (الإلهیات)* و *السیاسة* مستند است. بر این اساس در نوشتار حاضر ابتدا هدف از تشکیل خانواده از منظر ابن‌سینا مورد بررسی قرار گرفته است؛ سپس مهم‌ترین ارکان تحکیم خانواده که عبارت هستند از همسر، فرزند و تربیت با محوریت شاخص‌هایی چون مهارت‌های ایجاد رابطه مطلوب میان زن و شوهر، روش‌ها و مهارت‌های صیانت از خانواده در برابر آسیب‌ها، عقلانیت و صداقت، امانت داری و پرورش مهارت‌های فردی و اجتماعی اعضای خانواده، در پنج عنوان کلی، ذیل «عوامل تحکیم خانواده» مورد مذاقه واقع شده است.

خانواده و هدف از تشکیل آن

از منظر ابن‌سینا، حیثیت وجودی خانواده دارای مراتب و شئونی است که دربرگیرنده تمام ساحت‌های مادی و معنوی بشر است. در حکمت منزلی وی، خانه، نه در معنای چیدمان خاص مصالح ساختمانی در یک قطعه زمین، بلکه به معنای روح معنوی حاکم بر اعضای خانواده است؛ زیرا او زن را حافظ و نگهدار خانه مرد دانسته است (*ابن‌سینا، ۱۹۸۵، ص ۵*) و بسی بعید به نظر می‌رسد منظور او از حفظ خانه، نه در معنای حفاظت از هویت انسانی اعضای خانواده و روح معنوی حاکم بر آن، بلکه اسباب و اثاثیه منزل باشد؛ زیرا یک خدمتکار امین نیز می‌تواند این حاجت را برطرف سازد. ابن‌سینا تولید نسل را اولین و مهم‌ترین هدف از تشکیل خانواده دانسته و علاوه بر بقای نسل، موارد دیگری همچون آرامش، محبت، رفع نیازهای جنسی، انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی را عنوان می‌کند (همو، ۱۴۰۴ هـ ص ۴۴۹). نیز خانواده را فراتر از جامعه‌ای با دو فرد، یعنی پدر و مادر می‌داند؛ کوچک شدن بیش از حد خانواده را قبول نداشته و برای فرزندآوری در آن، تربیت شایسته فرزندان و تحویل آن‌ها به جامعه، نقشی اساسی قائل است. همچنین ابن‌سینا، برخورد قاطع با اعمالی مانند زنا و همجنس‌بازی را که مانع از ازدواج و تشکیل خانواده است، ضروری شمرده و ازدواج صحیح^۱ را شرط تشکیل یک مدینه فاضله دانسته است که برای دسترسی به این هدف، باید اصولی بر آن حاکم باشد (همان، ص ۴۴۱؛ همو، ۱۹۸۵، ص ۵؛ همو، ۱۳۸۳، ص ۲). اصولی که مسیر، شکل و آزادی عمل خانواده را تعیین

۱- متأسفانه امروزه در جامعه اسلامی ایران، ازدواج‌هایی مانند ازدواج سفید، ازدواج‌های موقت پنهانی و ... رایج شده است. ابن‌سینا هر ازدواجی را شرط تشکیل یک مدینه فاضله ندانسته است، بلکه ازدواجی را صحیح می‌داند که از شرایط آن می‌توان به آشکار بودن ازدواج، تشکیل خانواده، فرزندآوری، امنیت عاطفی و... اشاره کرد. بنگرید به: *ابن‌سینا، ۱۴۰۴ هـ ص ۴۴۹-۴۴۸*

می‌کند و برخی از آن‌ها عبارت هستند از: عدالت، صداقت، مسؤولیت‌پذیری و آشکار بودن ازدواج. ابن‌سینا علت امر اخیر را جلوگیری از عدم تردید در نسب افراد و به تبع آن پیشگیری از مشکل انتقال ارث والدین به فرزندان و مالکیت؛ عدم تقبل هزینه زندگی زن از طرف مرد و همکاری آن‌ها با یکدیگر و مشکلاتی دیگر که متوجه چنین ازدواجهایی خواهد بود، عنوان می‌کند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴هـ ص ۴۴۸-۴۴۹). به باور ابن‌سینا، ازدواج صحیح برترین رکن مدینه فاضله و عامل بقای نسل بوده و باید مردم را به سوی آن تشویق و ترغیب کرد؛ زیرا تشویق به ازدواج، ضامن بقای نوع بشر است (همان، ص ۴۴۸).

ابن‌سینا یکی از ویژگی‌های مطلوب زن را توانایی فرزندآوری او می‌داند. از نگاه او، هدف از ازدواج و تشکیل خانواده، در وهله اول تولید نسل و تربیت شایسته آن‌ها؛ و سپس ایجاد مدینه‌ای فاضله است (همو، ۱۹۸۵، ص ۱۱)؛ زیرا آنچه سبب بقای نسل آدمی بوده، ازدواج است، یعنی مهم‌ترین عاملی که بقای یک جامعه وابسته به آن است^۱. وی علاوه بر هدف تولید نسل و فرزندآوری در ازدواج، ازدواج را موجب بقای آن انواع دانسته است که با وجودشان، دراثبات وجود خداوند متعال ایفای نقش کرده‌اند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴هـ ص ۴۴۸). او در اینجا، وجود آدمی را برهانی برای اثبات وجود خداوند متعال دانسته است و به راستی اگر هر مصنوعی حکایت از صانع خود می‌کند و اگر هر معلولی را علتی است، از بین مخلوقات باری تعالی، انسان بهترین معرف وجود او است؛ زیرا از یک سو، آدمی تنها موجودی است که حد اعلای قدرت خالق خود را آشکار ساخته است، از سوی دیگر و در بالاترین مرحله، او تنها مخلوقی است که با رشد کردن در بهترین مکتب انسان‌ساز، قادر به وصول مقام خلیفه‌اللهی بوده، مظهر صفات خداوندی می‌شود، سعادت دنیوی و اخروی خود و سایر آدمیان را نیز تأمین می‌کند.

عوامل تحکیم خانواده در حکمت سینیوی

به باور ابن‌سینا عوامل متعددی در تحکیم خانواده نقش داشته که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از همسر، فرزند و تربیت با محوریت شاخص‌هایی چون مهارت‌های ایجاد رابطه مطلوب میان زن و

۱- هر انسان سلیم‌العقلی همسو با ابن‌سینا به این حقیقت معترف است که نیروی انسانی هر کشوری از راه تولید مثل تأمین می‌شود و متضمن دوام آن جامعه است، امری که پژوهشگران اجتماعی و دین‌مبین اسلام نیز بر آن تأکید داشته‌اند (طیبی، عمادزاده، ۱۳۸۷، ص ۲۴۲-۲۴۹؛ رحیمی‌فر، ۱۳۸۷، ص ۵۵-۵۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷هـ ج ۲، ص ۲۱۳؛ مظهری، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۷۵؛ حقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۷؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹هـ ج ۲، ص ۱۵).

شوهر، روش‌ها و مهارت‌های صیانت از خانواده در برابر آسیب‌های اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی؛ جایگاه زن، مرد و فرزندان در خانواده؛ اشتغال زن و سلامت خانواده؛ مدیریت اقتصادی و مدیریت تربیتی خانواده؛ روش‌ها و مهارت‌های تربیت صفات پسندیده‌ی اخلاقی در خانواده؛ عقلانیت و صداقت؛ امانت‌داری؛ پرورش مهارت‌های فردی و اجتماعی در فرزندان که در اینجا به این عوامل در پنج عنوان کلی تصریح به مقصود خواهیم کرد.

حفظ کرامت همسر

از نگاه ابن‌سینا برای تحکیم و حفظ بنیان خانواده، تکریم هر یک از اعضای خانواده امری ضروری است و این وظیفه در درجه اول بر عهده مرد است، بدین معنا که مرد باید در حفظ کرامت خود در خانواده در حد اعلا کوشا باشد و نخستین ابزار حفظ کرامت او، تکریم همسر است.^۱ ابن‌سینا علت اصلی حفظ کرامت اعضای خانواده را ثبات افراد خانواده در جایگاه و نقش خاص خود دانسته، مدعی است، اگر نقش هر یک از افراد خانواده عوض شود و تغییری در آن به وجود آید، این امر خطری جدی برای خانواده و تحکیم آن به همراه خواهد داشت. به باور او، مرد با گرامی داشتن زن، در واقع، جایگاه خود را در منزل که همان سرپرستی خانواده است حفظ می‌کند: «... مرد با تحقیر زن، هیبت^۲ خود را از بین می‌برد و با این کار دیگر زن او را اطاعت نخواهد کرد ... پس زن فرمان می‌دهد و او فرمان می‌برد و زن مدیر می‌شود و ... وای بر مرد در این زمان» (ابن‌سینا، ۱۹۸۵، ص ۱۲).

به باور ابن‌سینا، مرد باید مقام زن را ارج نهاده و او را بزرگ دارد، این تکریم از جانب مرد، زن را متقابلاً به تکریم مرد و پاس داشتن مقام او، صیانت از دین او و تصدیق تعهدات وی ترغیب می‌کند و در نتیجه حرمت متقابل میان زوجین حفظ می‌شود. همچنین ابن‌سینا خودداری مرد از تمجید و تحسین زنی به غیر از همسر خود در حضور او، اشتغال زن به امور خانه‌داری و تربیت^۳ فرزندان را از دیگر عوامل

۱- پیامبر گرامی اسلام ﷺ از جمله حقوق فرزند بر پدر را، گرامی و شاداب نگه داشتن مادر او توسط پدر می‌دانند (کلینی، ج ۶، ص ۴۹).

۲- منظور از هیبت، احترام مرد نزد خانواده و کوچک شمرده نشدن او نزد آن‌هاست. ابن‌سینا، ریاست و تدبیر خانواده را بر عهده مرد می‌داند که اساس آن هیبت مرد است و بر این باور است که بدون وجود آن روابط زوجین بر اساس صحیح استوار نیست (ابن‌سینا، ۱۹۸۵، ص ۱۲-۱۱).

۳- تربیت در لغت به معنای پروردن، آداب و اخلاق به کسی آموختن و پرورش روح و جسم است (معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۰۶۳). تربیت فرزندان در حقوق اسلام (کلینی، ج ۴، ص ۱۲) و نزد پژوهشگران مطالعات خانواده (مینوچین، فیضمن، ۱۳۸۴، ص ۴۱) بسیار سفارش شده است.

احترام متقابل بین زن و شوهر دانسته است (ابن سینا، ۱۹۸۵، ص ۱۲). به اعتقاد او ذکر محاسن زنی بیگانه توسط مرد، نزد همسر خود، هیبت مرد را که اساس و ستون خانواده است، خدشه دار کرده و خصومت بین زوجین را به همراه خواهد داشت. همچنین، اگر مرد، زن را وادار به کار خانه و تربیت فرزندان نکند، زن به دلیل بیکاری، هیچ فکری جز آراستن خود برای مردان بیگانه و خودنمایی کردن در برابر آنها ندارد. بنابراین اشتغال زن در منزل، حافظ او از روابط ناسالم است، روابطی که پیامد آن از میان رفتن حرمت متقابل بین زوجین است (همان، ص ۱۱-۱۲؛ همو، ۱۴۰۴هـ ص ۴۵۰).

وفای به عهد

از دیگر عوامل تحکیم خانواده، عمل به عهدی است که زوجین با یکدیگر می‌بندند. ابن سینا در این زمینه، این وظیفه را در وهله اول بر عهده مرد نهاده است، یکی از عوامل حفظ هیبت شدید مرد را در خانواده، پای‌بندی او به تعهداتش در برابر خانواده دانسته است (ابن سینا، ۱۹۸۵، ص ۱۲) و به راستی چه عهد و پیمانی بالاتر از اولین عهدی که مرد با زن می‌بندد و او را همسر و شریک غم و شادی خود قرار می‌دهد؛ عهدی به واسطه عقدی که صرفاً یک قرارداد حقوقی نیست، بلکه مراد از آن، تقید به پیمانی عاطفی، اخلاقی و حقوقی است که از نوعی تقدس برخوردار بوده و بدین گونه از سایر عقود متمایز می‌شود. بر این اساس، خانواده جامعه‌ای است، شکل گرفته بر پایه پیمانی غلیظ که نباید در معرض تزلزل و بی‌ثباتی قرار گیرد و این مهم از منظر ابن سینا در درجه اول بر عهده مرد است، بدین معنا که مرد با عمل به تعهداتش، هیبت خود را در خانواده حفظ می‌کند و به این وسیله بنیان خانواده را ثابت نگه داشته و آن را از خطر تزلزل و نابودی در امان نگه می‌دارد. البته ابن سینا از این امر غافل نبوده است که گاهی عمل به تعهدات و از جمله عقد نکاحی که بین زوجین بسته شده است، برای ادامه حیات خانوادگی کافی نیست و آن‌ها باید از هم جدا شوند. او برای این مطلب چند دلیل اقامه می‌کند از جمله: عدم کفویت زوجین، عقیم بودن یکی از آن دو، عدم احساس خوشبختی و رضایت خاطر آن‌ها از یکدیگر؛ اما این نکته را نیز یادآور می‌شود که نباید اجازه داد به سبب دلایل بیهوده طلاق رخ دهد؛ زیرا معتقد است طلاق نه تنها سبب آسیب رساندن به فرزندان می‌شود، بلکه حتی در ازدواج مجدد مرد و زن نیز اختلال ایجاد خواهد کرد (همو، ۱۴۰۴هـ ص ۴۴۹).

عقل‌مداری در خانواده

جمهور فلاسفه و از جمله ابن‌سینا، عقل^۱ را برترین پاره نفس آدمی دانسته و بر این باور هستند، عقل، تنها جزئی است که با حکومت بر نفس، انسان را به خیر و سعادت رهنمون می‌شود^۲. به باور ابن‌سینا آدمی دارای «عقلی است که عهده‌دار کشور وجود او است و نفسی که او را به کارهای زشت امر می‌کند و نفس باید در تحت سیاست عقل اداره شود... [عقل باید نفس را] به دنبال زندگانی زیبا و صالح سوق دهد» (ابن‌سینا، ۱۹۸۵، ص ۶۷). او با توجه به چنین انسان‌شناسی و بر اساس عقل‌گرایی، تشکیل خانواده را امری عقلانی، مبتنی بر کشش‌های فطری آدمی می‌داند که اگر صحیح و بر مبنای حفظ کرامت انسانی باشد، یکی از شروط کمال فردی و اجتماعی و نیل به غایتی الهی است. به اعتقاد ابن‌سینا، از دیگر عوامل تحکیم خانواده، سرپرستی آن تحت تدبیر فردی عاقل است؛ کسی که تابع شهوات و لذت‌های نفسانی نبوده و همواره از عقل یاری جسته، دارای ثبات عقیده و رأی است؛ ثباتی که حفظ خانواده را به همراه خواهد داشت. بر این اساس، سن ازدواج منوط به حدی از رشد جسمانی و عقلانی است که در آن، فرد در اداره خانواده موفق باشد؛ زیرا حکومت کردن خواه هدایت افراد باشد، خواه تدبیر امور و مصالح آن‌ها، علم و هنری است که خواستار عقل و آگاهی است و کسی که فاقد عقل باشد، شایستگی حکومت کردن بر خانواده را نخواهد داشت. از نگاه ابن‌سینا هر عقلی سلیم نبوده، بلکه عقلی که به پیروی از غضب و هوس می‌پردازد، ناسالم است؛ زیرا عقیده نادرست نمی‌تواند در مسیر شناخت، فهم و ادراک صحیح، راهنمای آدمی در مسیر کمال باشد و نظر به این که تدبیر امور اجتماعی از قبیل حکومت و خانواده، نیازمند به داشتن عقل نیرومندتر است، ابن‌سینا در مسائل اجتماعی و خانواده، زمام امور را به کسی می‌سپارد که برخورداری از عقل بیشتر، امتیاز اوست (همو، ۱۴۰۴ هـ. ص ۴۳۹؛ همو، ۱۹۸۵، ص ۷).

۱- عقل در فلسفه ابن‌سینا اطلاعات متعدد دارد. در پژوهش حاضر، این اصطلاح، به معنای تدبیر کردن و فهم حقیقت امور و سیاست به کار رفته است (ابن‌سینا، ۱۹۸۳، ج ۲، ص ۲۱۲؛ همو، ۱۳۸۳/الف، ص ۸۱؛ همو، ۱۴۰۳ هـ. ج ۲، ص ۳۵۵-۳۵۶؛ همو، ۱۹۸۵، ص ۶).

۲- از نگاه عارفان نیز، عقل، وسیله و چراغ عبودیت است؛ رحمت خدای متعال است که بر آفرینش فرو ریخته شد. بنگرید به: سجستانی، ۱۳۸۷، ص ۲۳؛ قبادیانی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ همو، ۱۳۸۴/الف، ص ۲۱۳. همچنین قرآن کریم ضمن صحنه گذاشتن بر عقل به عنوان برترین بعد نفس آدمی، همواره انسان‌ها را به تعقل دعوت نموده و از این که این ودیعه الهی توسط اعمال ناپسند، ضایع شود، به اجتناب از این اعمال توصیه می‌فرماید. به عبارت دیگر در شریعت محمدی صلی‌الله علیه و آله هر عملی که مضر به استقامت عقل بوده و عامل فساد و تباهی آن در اداره شؤوناتش شود، تحریم شده است.

حکمت بین زوجین

ابن سینا حکمت بین زوجین را عاملی مؤثر در ایجاد همبستگی می‌داند. وی معتقد است، زمانی که ناسازگاری و کشمکش از سوی کسی باشد که سست عقل است، بیشتر درگیری ایجاد می‌کند و مزاجش به سرعت تغییر می‌یابد، نباید حق طلاق به او داده شود، بلکه باید زوجین را به حکام رجوع داد تا بدین وسیله آسیب‌شناسی شده و عوامل مزاحم در روابط آن‌ها، توسط حکم شناخته شده و از نابودی خانواده جلوگیری شود (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ هـ. ص ۴۵۰). اما مبنا و اساس انتخاب این حکم چیست؟ به عبارت دیگر حکم خانوادگی باید از چه ویژگی برخوردار باشد؟

هر چند در سخن ابن‌سینا پاسخ به این سؤال به صراحت مطرح نشده است؛ اما اگر بپذیریم از نگاه او، نخستین و ضروری‌ترین معیار برای تدبیر زندگی مشترک، بهره‌مندی مدیر خانواده از عقل سلیم است (ابن‌سینا، ۱۹۸۵، ص ۷)؛ و نیز عامل عمده مشاجرات خانوادگی، کسی است که دارای عقل سلیم نبوده و مزاجش به سرعت تغییر می‌یابد (همو، ۱۴۰۴ هـ. ص ۴۵۰) و افزون بر این اذعان داشته باشیم به این‌که مطلقاً حکومت کردن نیازمند عقل بوده و مهم‌ترین خصلت یک حاکم، عدم تأثرپذیری او از هیجانات و ثبات نفس است؛ ناگزیر می‌توان گفت از دیدگاه ابن‌سینا «عقل» مبنای حکمت است. بر این اساس به باور او، همان‌طور که ایجاد عقد ازدواج زیر لوای عقل سلیم است، از بین رفتن این تعهد نیز باید به واسطه عقل و میانجی‌گری فرد عاقل باشد. بنابراین از نگاه ابن‌سینا کسی که حکمت را بر عهده می‌گیرد، باید دارای عقل باشد تا بدین وسیله بتواند علت و عامل آسیب بین روابط مرد و زن را شناخته و از نابودی رابطه آن‌ها جلوگیری کند و در صورت اضطرار و عدم راه حلی برای بازگشت زوجین به زندگی مشترک، آن‌ها را از یکدیگر جدا کند. او سپس تأکید می‌کند، اگر مرد خواهان طلاق زن باشد باید در برابر او مشکلات عدیده‌ای قرار داد تا او به هر بهانه‌ای اقدام به طلاق نکند و به راحتی کانون خانواده را از هم نپاشد؛ اما اگر مرد از نظر شخصیت و همت، فردی

۱- بحث حکمت بین زن و مرد، تا حدودی شبیه به «دادگاه خانواده» امروزی است که برای اولین بار در دین مبین اسلام مطرح شد (نساء، ۳۵). به اعتقاد برخی مفسران، دادگاه خانواده ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر محاکم متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها عبارتند از: تحریک عواطف زوجین در مسیر اصلاح، حفظ حرمت آن‌ها، تلاش حکم خانوادگی در ایجاد صلح بین زن و مرد و حفظ خانواده از فروپاشی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۷۶-۳۷۷). پژوهشگران مطالعات خانواده نیز از این حکم با نام «درمانگر» یاد کرده، وجود آن را برای استحکام خانواده ضروری دانسته‌اند. به اعتقاد برخی از این پژوهشگران، وجود درمانگر در زمان اختلافات خانوادگی ضروری است؛ زیرا او می‌تواند آن دسته از ساز و کارهای منظومه خانواده را که حافظ تعادل آن هستند، فعال سازد (مینوچین، فیضمن، ۱۳۸۴، ص ۵۳).

ضعیف باشد و از بدنامی در راه لذت بردن ترسی نداشته باشد، چنین کسی حتی شایستگی آن را نخواهد داشت که کسی به فکر مصلحت وی باشد (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ هـ ص ۴۵۰).

عشق و محبت در خانواده

عشق^۱ و محبت، در بقا و قوام خانواده نقش به‌سزایی دارد و به عبارتی روح خانواده است؛ همچنان‌که جسم بدون روح مرده است، خانواده هم بدون عشق، همچون جسدی بی‌روح است.^۲ ابن‌سینا با کمال آگاهی از این امر، مدیریت حیات خانوادگی را در چارچوبی ارزیابی و تحلیل می‌کند که در آن اهمیت عشق به‌سان عقل باشد؛ به‌گونه‌ای که محبت در کنار عقل، شاه کلید دوام خانواده است. او در مقام جدا کردن عقل از عشق نیست، بلکه وجود این هر دو را در حیات منزلی انسان ضروری دانسته و اهمیت آن‌ها را متذکر شده است. به تعبیری دیگر، ابن‌سینا وجود محبت و آثار ارزشمند آن را در زندگی آدمی، از نظر دور نداشته و اثر آن را در استحکام خانواده و جامعه پذیرفته است. وی نه تنها عواطف را از راه هماهنگ شدن با عقل و پیروی کردن از آن، تعدیل نموده است؛ بلکه متذکر می‌شود، سرکوب کردن عواطف همسو با عقل نیز جایز نیست و بدین گونه «محبت» را بهترین وسیله دوام زندگی خانوادگی دانسته، مدعی است، عشق و محبت اولین عامل تشکیل خانواده است که جز با انس گرفتن پدیدار نمی‌شود و این الفت تنها با عادت^۳ طرفین به یکدیگر به دست می‌آید، عادتی که لازمه آن تداوم زندگی مشترک است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ هـ ص ۴۴۹).

بر این اساس، برخلاف گرایش‌های رایج در زمان حاضر که طبق آن ارضای تمایلات نفسانی زودگذر

۱- شایان ذکر است در آیات قرآن کریم واژه «عشق» را نمی‌بینیم، بلکه واژه «حب» و مشتقات آن از جمله «محبت» فراوان به کار رفته است و این دو با یکدیگر متفاوت هستند؛ اما در زبان ابن‌سینا ظاهراً این دو کلمه با یکدیگر مترادفند.

۲- به اعتقاد برخی پژوهشگران حوزه خانواده، «محبت» مهم‌ترین عامل تمایز خانواده از سایر نظام‌های اجتماعی بوده (گلنبرگ، ۱۳۸۲، ص ۱۱)، وجود این مهر برای ادامه زندگی مشترک ضروری است (ساروخانی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰) به‌گونه‌ای که زندگی خانوادگی برپایه قواعد غیرقابل انعطاف موجب از دست رفتن خانواده به عنوان منبع رشد افراد خواهد شد (مینوچین، فیسمن، ۱۳۸۴، ص ۳۸۴). همچنین از نظر برخی، تشکیل نظام خانواده بر مبنای مودت و رحمت و تحکیم آن با چنین مبنایی، سهمی شایان توجه در امنیت و آرامش جامعه داشته و با تزلزل آن، آسیب‌های چشمگیری به جامعه وارد خواهد شد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۳۹۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ ج ۴، ص ۱۸۵-۱۸۴).

۳- در آثار ابن‌سینا عادت در معانی رسم، سنت، رویه معمول، آنچه که انسان بدان خو بگیرد و بخشی از رفتار همیشگی شخص شود به کار رفته است که در اینجا منظور، معنای اخیر است. بنگرید به: ابن‌سینا، ۱۳۸۳ ج ۱، ص ۱۲۹؛ همو، ۱۴۰۰ هـ ص ۲۱۷؛

همو، ۱۳۷۱، ص ۱۵۸؛ همو، ۱۹۸۳، ص ۵۱

و سطحی محور رفتار و بینش افراد شده است و هیجان طلبی کاذب جایگزین محبت‌های صادقانه بر مدار ثبات زندگی مشترک گردیده است، ابن‌سینا عشق و محبت قبل از ازدواج را فاقد دوام دانسته و مدعی است، هر چه از طول زندگی مشترک زوجین بگذرد، باید بر میزان عشق و محبت آن‌ها به همدیگر افزوده شود نه این که کاستی گیرد و رو به خاموشی گراید. به عبارت دیگر، از نگاه ابن‌سینا زن و مرد باید با یکدیگر زندگی مشترک داشته باشند تا در طول آن، با هم انس گرفته و همین الفت باعث شود تا آن‌ها یکدیگر را مایه آرامش هم دانسته و محبتی که در آغاز داشتند هر روز فزونی گیرد، نه این که روز بروز از فروغ آن کاسته شده و حتی در برخی موارد منجر به طلاق عاطفی شود. البته همان‌طور که قبلاً بیان شد، ابن‌سینا عواملی مانند عدم کفویت زوجین (داشتن طبایع متفاوت)، عقیم بودن یکی از آن دو، عدم احساس خوشبختی و رضایت خاطر آن‌ها از هم و دوست نداشتن یکدیگر را باعث خروج عشق و محبت از یک کانون به کانون دیگر می‌داند و در مورد علت اخیر می‌گوید: «... زیرا شهوت امری طبیعی است و چه بسا از آن فسادهای گوناگونی به وجود آید» (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ هـ. ص ۴۴۹). بنابراین می‌توان استنباط کرد، اگر ارتباط زن و مرد تنها براساس خواسته‌های نفسانی و نه بر اساس غرایض معنوی و انسانی باشد، چنین ارتباطی در حد ارضای هوس‌ها و لذت‌های نفس باقی مانده و بعد از مدتی موجب تنازع و جنگ خواهد شد؛ اما اگر ارتباط زوجین با یکدیگر و همکاری آن‌ها با هم، به ارضای میل جنسی و سایر امیال نفسانی ختم نشود و افزون بر آن زن و مرد در خواسته‌های معنوی و انسانی نیز با یکدیگر ارتباط داشته باشند، چنین ارتباطی ایجاد لذت و محبت خواهد کرد و از این رو نه تنها رو به افول نخواهد گذاشت؛ بلکه تدریجاً با انس و الفت ناشی از زندگی مشترک، تشدید خواهد شد. براین اساس، ابن‌سینا با تأکید فراوان بر وجود نقش محبت در میان اعضای خانواده که به استمرار پیوند زناشویی می‌انجامد، طلاق را نیز به پیروی از دین مبین اسلام، درموردی خاص و با شرایطی سخت، می‌پذیرد.

تحلیل انتقادی

در شیوه‌ای که ابن‌سینا در پیش می‌گیرد و با آن نظام حکمت عملی خود را ترتیب می‌دهد، پس از ترسیم منزلت انسان در هستی، به تحلیل جایگاه عقل در وجود آدمی و خواص عنصر محبت در معنابخشی به روابط آدمیان، بالأخص در خانواده می‌پردازد. اتخاذ این شیوه توسط ابن‌سینا متأثر از چهار رویکرد اصلی او به حیات آدمی است: هماهنگی با فطرت، کارکرد فلسفه در زندگی، تناظر عشق و عقل و حاکمیت اخلاق که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

هماهنگی با فطرت

در سنت دینی، عقلانیت همان هماهنگی با فطرت سالم است. مقصود از فطرت سالم، فطرتی خدامحور است که در جهت ارضای متعادل تمام غرایز و مبتنی بر تقوا باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ج ۱۶، ص ۲۷۳-۲۶۷). بر اساس آرای مطروحه ابن‌سینا در این مقاله، تشکیل خانواده و رعایت جایگاه‌ها در آن به بهترین شکل به تحقق این عناصر می‌انجامد؛ زیرا تمام عواملی که در فلسفه عملی ابن‌سینا در حوزه خانواده به عنوان عواملی که تحکیم خانواده را در پی دارند، مطرح می‌شوند، نه تنها ناسازگار با فطرت نیستند؛ بلکه هر کدام به نوعی ساز و کار سرشت طبیعی انسان را در صورت متعادل‌ی که خداوند بر آن خلق کرده است، نشان می‌دهد. تأکید ابن‌سینا بر عنصر کرامت، ضرورت وفای به عهد (ابن‌سینا، ۱۹۸۵، ص ۱۱-۱۲)، خردورزی و محبت پیشگی (همو، ۱۴۰۴ هـ.ج ص ۴۴۹) حاکی از تجلیات نورانی فطرت در جریان تربیت انسان برای ایجاد فضایی سالم، ماندگار و معقول در خانواده است.

کارکرد فلسفه در زندگی

امروزه به دلیل گسترش دانش‌های تجربی و پیوند ناگسستنی فناوری با ابعاد مختلف زندگی انسان، بیش از هر زمان دیگر ضرورت حضور بنیان‌های فلسفی و وحیانی در تار و پود عقاید و رفتار انسانها احساس می‌شود. ناآرامی و اضطراب روزافزونی که محصول زندگی بشر امروز در جهان متکثر و متنوع است، همچنین بی‌معنایی و احساس بی‌معنایی که به عنوان معضل جدی، فیلسوفان طرفدار فلسفه حیات را درگیر کرده است، حاکی از فقدان پشتوانه منطقی و قابل دفاع برای نحوه معیشتی است که بشر امروز برگزیده است. در حوزه خانواده نیز تغییر سبک زندگی، دگرگونی جایگاه‌های زن و مرد، تحول مسأله‌آمیز اهداف تشکیل و بقای خانواده و تضعیف معنویت، از آسیب‌ها و چالش‌هایی هستند که در زندگی ریشه دوانیده و رفع آن از مجرای قواعد فلسفی، بهره مندی از سنت و قرآن و استعانت از آرای حکمای دینی میسر است. حکمت عملی ابن‌سینا به دلیل برخورداری از پرتو وسیع حکمت دینی و نورانیت عقل، جز در مواردی خاص که در این پژوهش نیز به آن اشاره شده است، قابلیت به کارگیری قواعد و دستورات عملی در حوزه خانواده را دارد. قواعدی که عدم به کارگیری آن یکی از دلایل وجود معضلات اخلاقی و نابسامانی‌های روحی در خانواده است. ابن‌سینا با طرح مباحث بنیادی چون کارکرد عقل در مدیریت نهاد خانواده (ابن‌سینا، ۱۹۸۵، ص ۶-۷)، اشاره به مسأله کرامت انسان و لزوم حفظ آن در میان اعضای خانواده (همان، ص ۱۱-۱۲) و ترسیم چارچوبی معقول از نقش زن، مرد و فرزندان (همو، ۱۴۰۴ هـ.ج ص ۴۵۱؛ همو، ۱۹۸۵، ص ۱۲-۱۵) درصد تبیین اهمیت حفظ کانون خانواده بر مبنای اساسی‌ترین نیاز عقلانی و عاطفی انسان است.

تناظر عشق و عقل

از نظر ابن‌سینا میان عشق و عقل در فضای کوچک اما عمیق خانواده تلازم و همراهی وجود دارد (همو، ۱۴۰۴هـ. ص ۴۴۹). خانواده فضایی است که بر اساس آیه صریح قرآن مأمّن انسان و محل تجلی آرامش به عنوان اصلی‌ترین دلیل ازدواج است (روم، ۲۱). در ساختار حکمی ابن‌سینا کرامت انسان بستر ظهور و بروز روابط سالم انسانی بر پایه خردورزی و محبت است و تربیت به عنوان امر درجه دوم مأخوذ از کرامت انسان است و همین کرامت عامل تمایز او از سایر موجودات به شمار می‌آید و جایگاه انسان را در سلسله مراتب آفرینش به مقام اشرف مخلوقات ارتقا می‌دهد. همراهی عقل و عشق در بستر خانواده مصداقی از هم سوئی صفت جلال و جمال الهی در نظام تکوین و تشریح است.

حاکمیت اخلاق

به اعتقاد پژوهشگران، مینا و اساس هر نوع اخلاق مداری در عرصه اجتماع، فضای درونی خانواده است (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷۵-۶۳؛ اسمخانی اکبری نژاد و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۴-۲۵؛ هنریان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵-۱۲۷). در فلسفه ابن‌سینا این مینا از رابطه احترام‌آمیز والدین با هم تا رعایت حقوق والدین و فرزندان همچون احترام به والدین، تکریم شخصیت کودکان، انتخاب نام نیکو و القاب پسندیده، مسائل فقهی و حقوقی خانواده، بزرگداشت مقام زن به عنوان جلوه محبت الهی و ثبات جایگاه مدیریتی مرد در خانواده گسترده است. تمام این نکات اخلاقی در وهله نخست در جمع اعضای خانواده معنا و هویت می‌یابد و سپس به سطح مسائل گسترده اخلاقی در جامعه بشری تسری می‌یابد. از این نوع اخلاق مداری می‌توان استنباط کرد رعایت اخلاق در محیط زیست، رفتارهای اخلاقی کودکان در مواجهه با هم‌سالان و تشکل‌های اولیه اجتماعی مثل مدرسه، تصدی پست‌های شغلی در سطح خرد و کلان جامعه از افرادی بر می‌آید که به لحاظ اخلاقی در فضای سالمی پرورش یافته باشند. در این شرایط عقده و خود کم بینی یا غرور و برتری جویی کاذب، مناسبات اجتماعی مردم را در هم نمی‌ریزد؛ به عبارت دیگر اخلاق مداری از فضای خانواده به فضای اجتماع سرایت می‌کند. اخلاق گرایی در این سطح می‌تواند دغدغه ضمنی اندیشمندان مسلمان بالأخص ابن‌سینا باشد. او بیش از همه بر وجود مهارت‌های ارتباطی اعضای خانواده، حاکمیت عقل و عشق و پرهیز از لاپالیگری تأکید می‌کند و دلایل محکم خود را برای آن بیان می‌دارد.

همچنین ابن‌سینا در جاهای مختلف *الشفاء (الإلهیات)* به مناسبت‌هایی به شرح عهده‌داری تربیت کودکان توسط والدین می‌پردازد. وی ابتدا یکی از عوامل حفظ کرامت اعضای خانواده را، تربیت فرزندان توسط زن دانسته و او را مسؤول تربیت کودکان معرفی می‌کند؛ سپس وظیفه تربیت را بر

عهده والدین قرار داده و می‌گوید: «در مورد فرزندان، باید قانون به صورتی باشد که پدر و مادر هر دو عهده‌دار سرپرستی آن‌ها باشند و به تربیتشان بپردازند. مادر با آنچه به او اختصاص دارد [نگهداری و شیر دادن فرزندان] و پدر با تأمین هزینه زندگی آن‌ها» (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ هـ ص ۴۵). همچنین در جای دیگر (همو، ۱۹۸۵، ص ۱۲-۱۵)، از جمله حقوق فرزند بر پدر را، نام نیکو بر فرزند نهادن، تعلیم اخلاق نیکو به او قبل از آن که اخلاق ناشایست بر او غلبه یابد، تعلیم قرآن و تعلیم دین، ادب آموزشی، دور نگه داشتن او از دستیابی به اخلاق سفیهان^۱ دانسته است که در واقع هدف ابن‌سینا تربیت اخلاقی کودک از راه تربیت دینی او و غلبه قوه عاقله وی بر قوای دیگر به منظور تحت حاکمیت درآمدن تمامی قوا تحت قوه قدسی و الهی عقل است (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۶۴؛ ۱۰۹-۱۰۸؛ ۲۲۳)؛ آموختن مدح علم و ذم جهل، نیکی به والدین، آموزش شریف‌ترین آداب و اختیار همسر برای او زمانی که فرزند از شغل خود دست‌رنجی حاصل کرده باشد، از دیگر حقوق فرزندان است. این مطالب در ابتدا این امر را در ذهن تداعی می‌کند که آرای ابن‌سینا در مورد عهده‌داری تربیت فرزندان، با یکدیگر متناقض هستند، گوئی وی از سویی نقش مرد را در تربیت فرزند بیشتر حائز اهمیت دانسته است تا زن؛ و از سوی دیگر، یکی از عوامل برپایی کرامت در خانواده را تربیت فرزندان توسط زن می‌داند.

این دو سخن با یکدیگر منافاتی ندارد؛ زیرا ابن‌سینا به زیبایی وظایف والدین را مطابق با طبیعت خاص زن و مرد و نیازهای خاص کودک، تقسیم می‌کند. در واقع، مادر با حضور در منزل و پرستاری از فرزند، آرامش روان و سلامت جسم او را تا حد امکان، تضمین می‌کند؛ اموری که به اعتقاد پژوهشگران (اسمخانی اکبری نژاد و همکاران؛ ۱۳۸۱، ص ۱۴-۱۷) فقدان آن‌ها در کودکان جدا از مادر، گاه منشأ آسیب‌هایی در سنین بعدی حیات فرزندان است. بدیهی است، افراد رشد یافته در دامانی غیر از آغوش مادر، یعنی کودکان پرورش یافته توسط سایر اعضای خانواده؛ یا در جایی جدا از خانه، از قبیل مهدهای کودک و کودکستان‌ها، قطعاً هم از آغوش پرمهر مادر و حمایت‌های مادرانه محروم هستند و هم چه بسا تربیتی متفاوت از خواسته‌های والدین را کسب می‌نمایند. بنابراین مادر با حضور خود در منزل و حمایت از فرزندان، نیازهای عاطفی و جسمانی آن‌ها را تأمین می‌کند؛ پدر نیز راه و رسم وارد شدن کودک در اجتماع، علم آموزشی، نحوه معاشرت او با دیگران بر اساس شریف‌ترین آداب و برترین

۱- به اعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی ترغیب کودک به همنشینی با نیکان و جلوگیری از همنشینی با بدان به منظور ایجاد خصلت‌های نیکو در کودک است؛ زیرا نفس کودک ساده است و از سرمشق‌های محیطی و به ویژه همسالان خود سریع تأثیر می‌پذیرد (همایی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۵).

اخلاق، فراگیری شغل و چگونگی کسب درآمد را به کودک می‌آموزد و بدین وسیله وی را هم برای بندگی حق تعالی و هم برای زندگی در اجتماع، ازدواج و تشکیل خانواده آماده می‌کند. البته در نقد این سخن ابن سینا که علت دیگر مصر بودن اشتغال جنس مؤنث در منزل را، حفظ عفت و کرامت زن دانسته است، می‌توان گفت، حفظ عفت زن منافاتی با اشتغال او در جامعه ندارد؛ زیرا اولاً وجوب حجاب بدون برخورد و مواجه شدن زن با نامحرم منتفی است، ثانیاً، نباید فراموش کرد حجاب درونی و کیفیتی که از نگرش فرد ناشی می‌شود، بسی اولی از حجاب بیرونی و کمیته بوده و ارزش حجاب ذهنی فراتر از حجاب جسمانی است؛ زیرا نگرش فرد به‌سان ریشه‌ای در پروراندن گیاه وجود انسان عمل می‌کند و حجاب چشم در وهله اول حجاب جسمانی جایگاهی عظیم دارد که در آیه ۳۰ سوره نور اهمیت آن هویدا می‌شود: «و زنان مؤمن را بگو چشم‌ها از دیدن [نامحرم] ببندند و فروجشان را محفوظ دارند و زینت خود را جز آنچه از آن قهراً ظاهر می‌شود، آشکار نسازند» و این آیات مبین تقدم حفظ بصر بر پاکدامنی است؛ زیرا حفظ چشم در حفاظت انسان از آلودگی بسیار مؤثر است و حفظ چشم ریشه در نگرش بشر داشته و از بینش او ناشی می‌شود. بر این اساس، می‌توان گفت تصحیح نگرش‌ها و هدایت و کنترل دیدگان، حفظ حجاب و پاکدامنی را به دنبال داشته و حتی اشتغال در بیرون از منزل نیز نمی‌تواند مانع عفت زنان شود و اگر حجاب درون نباشد، حتی با قرار گرفتن زن در منزل و عدم اشتغال او، نمی‌توان تضمینی برای حفظ وی از قرار گرفتن در معرض روابط ناسالم قائل شد.

برخی از آرای ابن سینا، همچون، قرار دادن نقش مدیریتی خانواده برعهده مرد، اعتقاد به سستی بنیان خانواده با از میان رفتن نقش سرپرستی مرد (ابن سینا، ۱۹۸۵، ص ۱۲)، سست عقل بودن زن و مبادرت او به پیروی از هوس و غضب (همو، ۱۴۰۴ هـ، ص ۴۴۹)، در ابتدا به ذهن چنین متبادر می‌کند که ابن سینا همواره و در هر حال، مرد را صاحب عقل سلیم و مدیر و سرپرست خانواده دانسته است و ریاست خانواده را بر عهده او قرار می‌دهد؛ اما نگاهی عمیق به آرای او حاکی است زمام امور خانواده بر عهده کسی است که عقل او بر تمایلات نفسانی و مخصوصاً شهوت و غضب او حاکم باشد و زمانی که این زمامداری به فرد دارای عقل ناسالم یا سست عقل سپرده شود، خطر فروپاشی خانواده را به همراه خواهد داشت که این امر مبتنی بر دو مقدمه است:

الف - ابن سینا کاستی در عقل را خصیصه همه زنان ندانسته و همواره تدبیر خانواده را بر عهده مرد نهاده است؛ زیرا از نگاه ابن سینا یکی از ویژگی‌های مطلوب^۱ زن، عقل و زیرکی او است. همچنین، زن

۱- برخی از این ویژگی‌ها عبارت هستند از: عقل و زیرکی، حیا و دین‌داری، داشتن حسن تدبیر، مهربانی و مدارا کردن، توانایی فرزندآوری، فرمان‌برداری و امین شوهر بودن، وقار، هیبت و تسلی بخش بودن برای همسر (ابن سینا، ۱۹۸۵، ص ۱۱).

صالح، شریک مرد در ملک و مال او و جانشین همسر در سفر است (ابن‌سینا، ۱۹۸۵، ص ۱۱-۱۲). جانشین کسی است که بتواند تمامی شئونات حاکم و رئیس را انجام دهد و زن صالح صاحب عقل سلیم می‌تواند در انجام امور عقلانی همسر، دخیل باشد.

ب - از یک سو، علت سست عقل بودن زن از نگاه ابن‌سینا، پیروی زن از هوس و غضب است «... زن به دلیل مبادرت به پیروی از هوس و غضب، سست عقل است و همین بی‌ثباتی در عقل باعث می‌شود تا تأکید بر دوام زندگی از طرف زن باشد...» (همو، ۱۴۰۴ هـ، ص ۴۴۹؛ همو، ۱۹۸۵، ص ۷)؛ از سوی دیگر، ابن‌سینا مرد ضعیف همت و هوسران را حتی شایسته آن ندانسته است که کسی به فکر مصلحت وی باشد (همو، ص ۴۵۰) و چگونه کسی که نباید حتی به فکر مصلحت او بود، خود می‌تواند مصلحت یک جمع را ببیند و در پی آن باشد؟ همچنین ابن‌سینا به تقدم تدبیر نفس و صیانت از آن، بر تدبیر منزل تأکید کرده و می‌گوید: «از اصناف سیاست، اولین چیزی که شایسته است انسان به آن شروع کند، سیاست نفس خود است؛ زیرا نفس نزدیکترین چیز به آدمی است و کرامت وی به نفس اوست» (همو، ۱۹۸۵، ص ۶).

لذا از نگاه ابن‌سینا، تدبیر منزل بر عهده فرد عاقل است و سزاوار است این فرد، مرد باشد؛ زیرا در این صورت است که مرد در جایگاه خاص خود قرار می‌گیرد و خانواده سیر طبیعی خود را طی خواهد کرد. به طور طبیعی مرد مدیر خانواده است و نباید با کوتاهی در تکریم زن و سایر وظایف این جایگاه را از دست بدهد که اگر این‌گونه شود، انقلاب و دگرگونی در خانواده به وجود خواهد آمد (همان، ص ۱۲)؛ اما اگر مرد به علت غفلت و کوتاهی در ادای وظایفش، نقش و جایگاه خود را در خانواده از دست بدهد، با وجود زن صاحب عقل سلیم، این مسؤلیت به زن سپرده خواهد شد.

بر این اساس، به باور ابن‌سینا، هر انسانی که از تمایلات نفسانی پیروی کند و افسار خشم و شهوت خود را تحت فرمان عقل درنیاورد، عقل او در خواب به سر می‌برد خواه زن خواه مرد باشد. بنابراین می‌توان گفت سخن ابن‌سینا مبنی بر نقش زن در تداوم زندگی به علت پیروی کردن او از شهوت و غضب، قابل تعمیم به مرد نیز می‌باشد؛ زیرا اگر شهوت و غضب هر یک از اعضای خانواده، زن یا مرد، مهار نشود، این امر عامل نابودی خانواده است.

نتیجه‌گیری

۱- خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، از یک سو بستر ایجاد و رشد بسیاری از ارزش‌هاست و از سوی دیگر، بخشی از مشکلات و آسیب‌های جامعه نیز مولود خانواده است. متأسفانه، امروزه بخش اعظمی از عوامل آسیب‌زا در خانواده‌ها و تزلزل و فروپاشی آن‌ها، مولود

ازدواج‌های غیرصحيح و باورهای مأخوذ از فرهنگ‌ها و منابعی غیراصیل در مورد ازدواج و خانواده است. این در حالی است که حکمت عملی حکیمی همچون ابن‌سینا به دلیل برخورداری از پرتو وسیع حکمت دینی و نورانیت عقل، جز در مواردی خاص، قابلیت به کارگیری قواعد و دستورات عملی در حوزه خانواده را دارد؛ قواعدی که عدم به کارگیری آن یکی از دلایل وجود معضلات اخلاقی و نابسامانی‌های روحی در خانواده است.

۲- از نگاه ابن‌سینا، ازدواج صحيح، یعنی ازدواجی آشکار و بر مبنای اصول و قواعد خاص خود، برترین رکن مدینه و عامل بقای نسل بوده و باید مردم را به سوی آن ترغیب کرد؛ زیرا ازدواج، ضامن بقای نوع بشر و به تبع آن، دلیلی بر وجود خداوند است. در حکمت منزلی وی، تشکیل خانواده و رعایت جایگاه‌ها در آن به بهترین شکل به تحقق ساز و کار سرشت طبیعی انسان که خداوند متعال آدمی را بر آن خلق کرده است، می‌انجامد. ابن‌سینا با تأکید بر مسأله کرامت انسان و لزوم حفظ آن در میان اعضای خانواده، ضرورت وفای به عهد، خردورزی و محبت پیشگی، وجود حکمی عاقل برای حل اختلاف زوجین و ترسیم چارچوبی معقول از نقش زن، مرد و فرزندان درصدد تبیین اهمیت حفظ کانون خانواده بر مبنای اساسی‌ترین نیازهای عقلانی و عاطفی انسان است.

۳- در حکمت منزلی ابن‌سینا، کرامت انسان بستر ظهور و بروز روابط سالم انسانی بر پایه خردورزی و محبت است و تربیت به عنوان امر درجه دوم مأخوذ از کرامت انسان است و همین کرامت عامل تمایز او از سایر موجودات بوده، جایگاه انسان را در سلسله مراتب آفرینش به مقام اشرف مخلوقات و نشانه بودن برای اثبات خداوند، ارتقا می‌دهد. در این حکمت، اخلاق‌مداری از رابطه احترام‌آمیز والدین با هم تا رعایت حقوق والدین و فرزندان همچون، احترام به والدین، تکریم شخصیت کودکان، انتخاب نام نیکو و القاب پسندیده، مسائل فقهی و حقوقی خانواده، بزرگداشت مقام زن و ثبات جایگاه مدیریتی مرد در خانواده، گسترده است. تمام این نکات اخلاقی در وهله نخست در جمع اعضای خانواده معنا و هویت یافته و سپس به سطح مسائل گسترده اخلاقی در جامعه بشری تسری می‌یابد. ترکیب این چند عنصر در کنار هم، حکمت منزلی ابن‌سینا را در عصر حاضر به مجموعه به نسبت قابل قبولی از قواعد عقلی و شواهد قلبی برای تشکیل خانواده تبدیل می‌کند.

منابع و مأخذ

- **قرآن کریم**
- ابن سینا، بوعلی حسین بن عبدالله (۱۴۰۳هـ)، **الاشارات و التنبيهات**، شرح نصیرالدین طوسی، قم، نشر البلاغه
- _____ (۱۳۸۳ الف)، **رساله نفس**، همدان، دانشگاه بوعلی سینا
- _____ (۱۹۸۳)، **الشفاء (الطبیعیات)**، تحقیق الاب قنوتی و سعید زاید، القاهره، الهیئه العامه للمطابع الامیریه
- _____ (۱۴۰۴هـ)، **الشفاء (الالهیات)**، تحقیق الاب قنوتی و سعید زاید، القاهره، الهیئه العامه للمطابع الامیریه
- _____ (۱۹۸۵)، **السیاسه**، القاهره، دارالعرب، چاپ سوم
- _____ (۱۳۸۳ ب)، **دانشنامه علائی (الهیات)**، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، نوبت چاپ دوم
- _____ (۱۳۸۳ ج)، **دانشنامه علائی (طبیعیات)**، مقدمه و تصحیح سید محمد مشکوه، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، نوبت چاپ دوم
- _____ (۱۴۰۰هـ)، **رسائل ابن سینا**، قم، بیدار
- _____ (۱۳۷۱)، **المباحثات**، توضیح مقدمه و تحقیق از محسن بیدار فر، قم، بیدار
- اسمخانی اکبری نژاد، هادی، نصیر نژاد، فریبا (۱۳۸۸)، «**بررسی رابطه حمایت اجتماعی والدین و سبک‌های فرزندپروری با هویت و سلامت روانی فرزندان**»، نشریه زن و مطالعات خانواده، دوره ۲، شماره ۶، تبریز، کمیته شورای پژوهشی زنان
- امام جمعه زاده، سید جواد، رحیمی، رئوف، حاتمی نسب، سید حسن (۱۳۹۱)، «**انقلاب خاموش در جوامع فراصنعتی: تغییر در اولویت ارزش‌ها**»، نشریه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، شماره ۳، تهران، انجمن علمی مطالعات جهان اسلام، پاییز
- حرعاملی، محمدبن حسن بن علی بن محمدبن حسین (۱۴۰۹هـ)، **وسایل الشیعه**، قم، آل‌البیت
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی‌تا)، **تفسیر روح البیان**، بیروت، دارالفکر

- رحیمی فر، مهری (۱۳۸۷)، «**بهروری نیروی انسانی و رشد اقتصادی**»، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، مهر و آبان ۸۷، سال نهم، شماره ۸۳ و ۸۴، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصاد و دارائی
- رهنما، اکبر (۱۳۷۸)، **بررسی، تجزیه و تحلیل خاستگاه‌ها، غایت و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی**، رساله دوره دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۴)، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**، چاپ هفتم، تهران، سروش
- سجستانی، ابویعقوب (۱۳۸۷)، **کشف‌المحجوب**، مقدمه و تصحیح و تعلیق دکتر محمود عابدی، تهران، سروش، چاپ چهارم
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷هـ)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، مکتبه النشر الإسلامی، چاپ پنجم
- طیبی، سید کمیل، عماد زاده، مصطفی، شیخ بهایی، آزیتا (۱۳۸۷)، «**تأثیر تجارت خارجی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی**»، مجله تحقیقات اقتصادی، (زمستان ۸۷)، شماره ۸۵، تهران، دانشگاه تهران
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۰)، **اخلاق ناصری**، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی
- قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۸۳ الف)، **خوان الأخوان**، تصحیح علی اکبر قدیم، تهران، اساطیر
- _____ (۱۳۸۴ ب)، **زاد المسافر**، تصحیح و تحقیق سید محمد عمادی حائری، تهران، میراث مکتوب
- کرمانی، طوبی، سلگی، فاطمه (۱۳۹۲)، «**تحلیل حیات خانوادگی (منزلی) انسان در حکمت عملی با تأکید بر آرای ابن سینا**»، مجله فلسفه و کلام اسلامی، پاییز و زمستان ۹۲، دوره ۴۶، شماره ۲، تهران، دانشگاه تهران
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحق (۱۳۶۵)، **اصول کافی**، تهران، دارالکتب الإسلامیه

- گلدنبرگ، ایرنه و هربرت (۱۳۸۲)، **خانواده درمانی**، مترجمان حمیدرضا حسین‌شاهی برواتی، سیامک نقش‌بندی، تهران، نشر روان
- مظہری، محمد ثناء‌الله (۱۴۱۲ھ)، **التفسیر المظہری**، پاکستان، مکتبہ الرشیدیہ
- معین، محمد (۱۳۶۰)، **فرہنگ فارسی**، تهران، انتشارات امیرکبیر
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونہ**، تهران، دارالکتب الاسلامیہ
- مینوچین، سالوادر، فیشمن، اچ چارلز (۱۳۸۴)، **فنون خانوادہ درمانی**، ترجمہ فرشاد بہادری فرح سیا، تهران، انتشارات رشد، چاپ دوم
- هنریان، مسعودہ، یونسی، سید جلال (۱۳۹۰)، «**بررسی علل طلاق در دادگاہہای خانوادہ تہران**»، نشریہ مطالعات روانشناسی بالینی، تابستان، دورہ ۱، شمارہ ۳، تہران، دانشگاه علامہ طباطبائی، ص ۱۲۵-۱۵۳

Archive of SID